



تمدن و فرهنگ غرب تک بُعدی است/ روش شناسی؛ لازمه تحول در علوم انسانی

بررسی و تحلیل جایگاه علوم انسانی اسلامی و تشریح مناسبات فراروی این پروسه و همچنین واکاوی دیدگاه های موجود در این مسیر و نیز دست یابی به الگویی صحیح و مناسب...

بررسی و تحلیل جایگاه علوم انسانی اسلامی و تشریح مناسبات فراروی این پروسه و همچنین واکاوی دیدگاه های موجود در این مسیر و نیز دست یابی به الگویی صحیح و مناسب، جهت رویکرد تحول در علوم انسانی که مورد خواست و اهتمام اندیشمندان و بزرگان جامعه اسلامی است، ما را بر آن داشت تا گفتگوی مبسوطی با حجت الاسلام محمد رضا مصطفی پور، استاد حوزه و دانشگاه و عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی، ترتیب دهیم که ماحصل آن در ادامه از نظراتان می گذرد.

*منتقدان طرح تحول در علوم انسانی معتقد هستند حرکت طبیعی علم، حرکتی رو به جلو است و طرح اسلامی سازی علوم انسانی را حرکتی رو به عقب و به تعبیری شنا کردن در خلاف جهت آب می دانند و در نتیجه شکست این طرح را پیش بینی می کنند؛ آیا این تعبیر را مورد وثوق می دانید؟

اصولاً تولید علم، بر حسب مکاشفات طبیعی و تجربی و یا توسط فرامین دینی و الهی تبیین می شوند، لذا همانگونه که علوم طبیعی و انسانی و مادی پیشرفت و توسعه پیدا می کنند، علوم دینی و الهی نیز دارای توسعه و پیشرفت می شوند

در باب این مسائل ابتدا می بایست به معانی پیشرفت و بومی سازی در علم و دانش رجوع کنیم و سپس با تعریف صحیح این معانی ببینیم که آیا بومی سازی علم، با پیشرفت علم در تعارض هست یا خیر؟ معنای درست علم همانگونه که در سؤال بیان شد، دانشی است که انسان به تدریج به دست می آورد و دانش نیز، مقوله ای است که در همه حال، در مسیر تحول و شکوفایی و باروری است؛ از لسان حضرت امیر(ع) در باب علم و دانش مروی است که فرمودند: «حیات علم و دانش منوط به نقد و بررسی آن است»؛ بنابراین علم و ودانش اگر می خواهند زنده و پویا بمانند، لاجرم می بایست مورد نقد و تحلیل و واکاوی قرار بگیرند؛ در باب علم باید گفت که اصولاً تولید علم، بر حسب مکاشفات طبیعی و تجربی و یا توسط فرامین دینی و الهی تبیین می شوند، لذا همانگونه که علوم طبیعی و انسانی و مادی پیشرفت و توسعه پیدا می کنند، علوم دینی و الهی نیز دارای توسعه و پیشرفت می شوند؛ بر همین اساس عالمان و محققین بزرگ دینی معتقد هستند، بنا به توسعه علم و دانش بشری، علوم دینی نیز هر پنجاه سال یکبار، محتاج یک تفسیر و تشریح جدید از منویات دین و قرآن کریم هستند.

محققین بزرگ دینی معتقد هستند ما در پرتو تفسیرهای جدید و بنا به مقتضیات زمانه، به طور قطع به مسائل و موارد جدید و نوینی از علوم الهی و دینی دست خواهیم یافت و با ارائه سؤالات جدید و تازه به قرآن کریم، پاسخ های نوین و تازه ای به دست خواهیم آورد. با توجه به این گزاره ها می توان گفت که فقه و تفسیر نیز مانند علوم دیگر، مرتب در حال توسعه و نوسازی هستند؛ نکته دیگری که می بایست در پاسخ به این سؤال بیان کرد این است که، سؤالات جدید و تازه در هر زمینه و موضوعی، لاجرم پاسخ های تازه و جدیدی را می طلبند؛ طبیعتاً نمی توان به سؤالات جدید، پاسخ های گذشته را ارائه کرد، بنابراین می بایست با تحول و پویایی و نگرش جدید در هر زمینه و علمی، دریچه های تازه و نوینی را به روی آن علم باز کرد.

جامعه ساکن و ایستا در هیچ یک از زمینه های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و اجتماعی نمی تواند به نقاط مورد نظر و ایده آل خود دست یابد، بنابراین لازمه توسعه و پیشرفت اجتماعی و مدنی، توسعه و پیشرفت علمی و آموزشی است

جامعه ای که سؤال و یا مسئله نداشته باشد و یا اینکه سؤال داشته باشد، ولی پاسخ های مناسب و درخور سؤالش را نیابد، به طور قطع، جامعه پویا و شکوفا و روبه جلویی نخواهد بود؛ جامعه ساکن و ایستا در هیچ یک از زمینه های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و اجتماعی نمی تواند به نقاط مورد نظر و ایده آل خود دست یابد، بنابراین لازمه توسعه و پیشرفت اجتماعی و مدنی، توسعه و پیشرفت علمی و آموزشی است.

اگر عامل پیشرفت علم را طرح سؤالات و دیدگاه های جدید و نوین بدانیم و لازمه پاسخگویی به آن را نقد و بررسی و واکاوی علوم بدانیم، بلاشک در مسائل دینی و علوم دینی نیز با همین رویکردها، می توان به پیشرفت و پویایی علوم الهی و آسمانی امیدوار بود؛ خود دین و آموزه های آن نیز ما را به توسعه و تحقیق و پژوهش دعوت می نمایند، در روایات اسلامی، توصیه ها و تأکیدات فراوانی وارد شده است که مسلمین می بایست اهل پرسش و سؤال و تحقیق و دانش افزایی باشند؛ این توصیه هم به لحاظ علمی مطرح شده است هم به لحاظ معنوی، از لسان نبی مکرم اسلام(ص) مروی است که ایشان فرمودند: «العلم خزائن و مفاتیحها السؤال ، فسألوا یرحمکم الله ، فإنه یؤجر فیہ أربعة: السائل و المجیب و المستمع و

المُحِبُّ لَهُ؛ پیامبر اکرم(ص) در این حدیث شریف می فرماید: «علم، گنج و گنجینه گرانبهای است و کلید این گنجینه، سؤال و پرسش است و سپس می فرماید: از این گنجینه، چهار شخص استفاده خواهند کرد؛ ابتدا سؤال کننده، سپس جواب دهنده و سپس شنونده و مستمع و در آخر کسی که پاسخ سؤال و جواب را دوست می دارد.»

نکته دیگر در این مقوله این است که دین و منویات آن، ما را به نقد و ارزیابی مسائل و مشاهدات دعوت می نماید و از پیروی جاهلانه و ناآگاهانه و کورکورانه مسائل و بینش ها برحذر می دارد؛ طبیعی است که هر پویش و دانش و بینشی، اگر در بوته نقد و تحلیل و ارزیابی قرار بگیرد، نواقص و کاستی هایش را می یابد و می تواند با توسعه و پالایش، به نقاط بهتر و مؤثرتری دست یابد. با عنایت به این اصول، این نکته که دین دارای خاصیت ایستایی و سکون است و علم و دانش پویا و پیش رونده هستند، بنابراین جمع ایستا و پویا، باعث رخوت و ایستای علم و دانش می شود تعبیر ناصحیح و نادرستی است. دین اساساً خواهان تعالی و پیشرفت و ترقی است و این نکته قطعاً، با حرکت پیش رونده و طبیعی علم، مناسبت و هماهنگی خواهد داشت.

* در پروسه تحول در علوم انسانی و دست یابی به علوم انسانی اسلامی، بیشتر می بایست در چه اصول و مواردی تمرکز داشت؟ نگرش های کیفی و توصیفی را در این پروسه چگونه ارزیابی می کنید؟

نکته مهم دیگر در این پروسه این مطلب است که زمانی که ما در باب توسعه و پیشرفت علم و دانش صحبت می کنیم فقط در باب مکاشفات و دست یابی به مسائل جدید و نوین علمی بحث نمی کنیم، بلکه در پاره ای از موارد، خواهان دست یابی به کیفیت و اثرگذاری بهتر و مفید تر در زمینه علوم مختلف هستیم؛ این مسئله در نوع نگاه و بینش نسبت به جهان هستی و جهان آفرینش تعریف و تبیین می شود؛ تعریف علم دینی و خواستاری توسعه و نگرش در این مبانی، به نوع دیدگاه و باور انسان به جهان طبیعت و جهان هستی باز می گردد، امکان دارد یک دانشمند علوم طبیعی، به مسائل متافیزیک و ماوراءالطبیعه، توجه و دقت نداشته باشد و معنی و مفهوم خلقت و پیدایش هستی را در امور فیزیکی و مادی ترجمه و تفسیر کند، این در حالی است که دانشمند دینی، با توجه به گزاره های دینی، در جستجوی یافتن حقیقت خلقت و هدف پیدایش جهان هستی، با توجه به منویات دینی و الهی است و این تفاوت دیدگاهی، باعث خواهد شد که مبانی و اصول دینی، به دنبال کشف و توسعه علوم طبیعی با نگرش و بینش علوم الهی و دینی باشد.

این دیدگاه می گوید جهان هستی و جهان خلقت را منقطع الاول و منقطع الاخر نبینید؛ بلکه جهان هستی را در مسیر حرکت به کمال و پویایی ببینید، این نگرش می گوید: با این رویکرد قطعاً شما به وجود یک، وجود مدبر و آگاه و حکیم، پی خواهید برد که امور خلقت و آفرینش را در دست دارد و امور هستی را دگرگون می نماید و این وجود مقدس و منزّه، خداوند قادر متعال است؛ باور دینی می گوید: این وجود مقدس و منزّه، جهان هستی را بدون قانون و هدف و برنامه خلق نکرده است و لذا می بایست تمامی اندیشمندان علوم طبیعی و مادی، با توجه به این اصل و گزاره، در مکاشفات و تحقیقات خود، به این موضوع توجه کنند که این جهان هستی، بدون هدف و برنامه خلق نشده است و در نتیجه این رویکرد، دست آوردها و تحقیقاتش رنگ و بوی توحیدی و الهی به خود خواهند گرفت؛ اگر یک محقق و دانشمند علوم طبیعی در بررسی ها و تحقیقاتش، این پیش فرض را در نظر داشته باشد که همه معادلات و محاسبات قانونمند هستند؛ بنابراین قطعاً نظام هستی و جهان آفرینش نیز قانونمند و هدفمند خلق شده اند.

*نوع دیدگاه و بینش و تفکر دینی، در مواجهه با جهان هستی و تحلیل این مناسبات با رویکرد الهی و اسلامی، چه چشم اندازهایی را رو به علوم موجود باز خواهد کرد؟ آیا با این رویکرد ها، می توان بین مناسبات دینی با تفکر نوین علمی، سازگاری ایجاد کرد؟

اگر جهان هستی با توجه به فعل خداوند دیده و انگاشته شود، آن زمان، تمامی مسائل از علوم ساده و زیستی تا کیهان شناسی و علوم فضایی و علوم پیچیده، همگی در مسیر فعل و کردار خداوند قادر متعال تحلیل و تفسیر می شوند، طبیعتاً زمانی که موجودات و مخلوقات، فعل خداوند در نظر گرفته شوند، آن وقت سؤالاتی به وجود خواهد آمد که، دلیل و علت این خلقت و آفرینش چه بوده است و این خالق که این جهان هستی را به وجود آورده، چه مختصات و خصوصیات دارد؟ در اینجا است که می توان گفت: با تحول و پویش علمی و دینی، می توان به خیل کثیری از این سؤالات پاسخگو بود.

نشانه ها و آیات فراوان قرآن کریم که در باب تعقل و تفکر و علم ورزی وارد شده اند، همگی در تبیین و دست یابی به علوم کارآمد و متعارف و پیش رونده، سرمشق محققین و متفکرین دینی و اسلامی هستند و این شاخصه ها هستند که معنا و مفهوم علم دینی را تشکیل می دهند

از امام کاظم(ع) مروی است که ایشان فرمودند: «وَجَدْتُ عِلْمَ النَّاسِ فِي أَرْبَعٍ أَوَّلُهَا أَنْ تَعْرِفَ رَبَّكَ وَ الثَّانِيَةُ أَنْ تَعْرِفَ مَا

صَتَعَ بَكَ وَ الثَّالِثَةُ أَنْ تَعْرِفَ مَا أَرَادَ مِنْكَ وَ الرَّابِعَةُ أَنْ تَعْرِفَ مَا يُخْرِجُكَ مِنْ دِينِكَ؛ ایشان در این حدیث شریف می فرمایند: «علم مردم را در چهار نشانه جستجو کردم و یافتم، ابتدا در شناخت خالق، دوم در چگونگی و کیفیت خلقت، سوم، علت و سبب خلقت و آخر، دلیل و علت خروج از دین و به تعبیری علت نابودی دین انسان ها؛ این نشانه ها و آیات فراوان قرآن کریم که در باب تعقل و تفکر و علم ورزی وارد شده اند، همگی در تبیین و دست یابی به علوم کارآمد و متعارف و پیش رونده، سرمشق محققین و متفکرین دینی و اسلامی هستند و این شاخصه ها هستند که معنا و مفهوم علم دینی را تشکیل می دهند؛ باید گفت تنها از این طریق است که می توان به اصل و بطن نظام هستی پی برد؛ باید توجه داشت پابندی به این اصول، شرایط و موقعیت های دیگری را فراروی انسان قرار خواهند داد؛ اگر این شاخصه ها مورد توجه قرار گیرند، آن وقت است که اخلاق، نظم اجتماعی و احترام به قوانین و مقررات در چگونگی سامان دادن امور اجتماعی، معنا و مفهوم حقیقی خود را به دست خواهند آورد.

در باب رویکرد های اینچنینی که دین را در تضاد با پیشرفت و کشف گستره های نوین علمی برمی شمارند، مهمترین مسئله، داشتن تلقی ناصحیح و نادرست، از دین و منویات آن است؛ دین نه تنها هیچ منافاتی با تحصیل و پیشرفت و ترقی علمی و اجتماعی ندارد، بلکه در این مسئله نیز بسیار پافشاری و اصرار دارد. دین، به قدری در باب مسئله علم ورزی و دانش پژوهی اصرار دارد که تحصیل علم و دانش را در هر جای عالم که باشد توصیه می نماید؛ در حدیث شریف و معروفی از نبی مکرم اسلام (ص) مروی است که ایشان فرمودند: «اطلبوا العلم ولو بالصفین»؛ دین می گوید برای توسعه اجتماعی و فرهنگی و برای اعتلای جامعه، علم و دانش را هر چند از کافر و مشرک و لاقید نیز فرا بگیرید و در جهت توسعه علمی کوشا باشید؛ بنابراین شناخت دقیق و صحیح دین، ما را از کج روی و انحراف نسبت به مفاهیم الهی و دینی برحذر می دارد؛ دین انسان را در چارچوب حقیقی پیشرفت و توسعه می خواهد نه در خلاف جهت آن، دین نمی خواهد مسیر پیشرفت و ترقی علمی را وارونه کند؛ نگرش دین مساوی است با تلاش در چارچوب صحیح علم ورزی با توجه به شاخصه های توحیدی و الهی، که این مختصات قطعاً زوایای حقیقی علوم را به روی انسان خواهند گشود.

*به نظر شما راه حل های تولید و تهیه علوم انسانی، مبتنی بر اِلَمان ها و شاخصه های دینی و اسلامی چه مختصاتی دارند و اصولاً راهکارهای پیاده سازی و هماهنگ سازی بستر علمی جامعه، با این طرح و نگرش، چگونه قابل دسترس خواهند بود؟

در طرح تحول در علوم انسانی، مقوله کیفیت بر مقوله کمیت چربش و برتری دارد؛ اولین مسئله در طرح تحول در علوم انسانی و رسیدن به معنای علوم انسانی اسلامی، بحث روش شناسی است

در باب اشاعه فرهنگ تحول در علوم انسانی موجود، دو نکته مهم و اساسی وجود دارد که یکی از این شاخصه ها، مهمتر و اساسی تری است نسبت به مقوله دیگر؛ این دو مقوله، یکی کمیت است و دیگری کیفیت؛ باید گفت: در طرح تحول در علوم انسانی، مقوله کیفیت بر مقوله کمیت چربش و برتری دارد؛ اولین مسئله در طرح تحول در علوم انسانی و رسیدن به معنای علوم انسانی اسلامی، بحث روش شناسی است؛ باید یاد آور شویم که در طرح تحول در علوم انسانی، می بایست به طور حتم از مسیر، تک روشی پرهیز و ابداع کرد؛ پاره ای از افراد تنها راه رسیدن به علم را تجربه می دانند، افرادی که تجربه گرایانه تفکر می کنند، همه موارد را، فقط منحصر به دریافت نتیجه و تجربه قلمداد می کنند؛ ما معتقد هستیم که نباید دایره روش شناسی و معرفت افزایی را فقط منوط به تجربه کرد و می بایست این دایره را گسترده تر و پهنار تر کرد؛ قرآن کریم دریای شریفه ای می فرماید: «وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْبُصَارَ وَ الْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ»؛ ما طبق این آیه شریفه معتقدیم که حس و شهود و عقل و تجربه، همگی روش های معرفت افزایی و دانش پژوهی هستند؛ نقطه تمایز اندیشه اسلامی با سایر مکاتب این است که اندیشه اسلامی، علاوه بر مؤلفه های اشاره شده در جهت معرفت شناسی، مقوله و معنای «الوحي و فرامین الهی» را نیز، در کسب دانش و معرفت، مهم و اثرگذار می داند.

اگر انسان پرسشگر و محقق باشد، با مراجعه به وحی و قرآن کریم، به طور قطع، پاسخ بسیاری از مسائل خود را خواهد یافت؛ باید توجه داشت گام بسیار مؤثر در مسیر تحول در علوم انسانی، شناخت خود انسان است و این همان مقوله ای است که مبانی و فرامین دینی، آدمی را به آن فرا می خواند

در این باب می توان گفت که، مراجعه به قرآن کریم، خود، گشاینده بسیاری از درهای معرفت و دانش به روی بشر خواهد بود، اصول و مبانی دین، انسان را به سؤال و پرسش و اِلاجرم می بایست برای یافتن پاسخ، مکاشفه و تحقیق و پژوهش کرد. اگر انسان پرسشگر و محقق باشد، با مراجعه به وحی و قرآن کریم، به طور قطع، پاسخ بسیاری از مسائل خود را خواهد یافت؛ باید توجه داشت گام بسیار مؤثر در مسیر تحول در علوم انسانی، شناخت خود انسان است و این همان مقوله ای است که مبانی و فرامین دینی، آدمی را به آن فرا می خواند؛ باید توجه داشت این شناخت، می بایست هم در بُعد مادی صورت بگیرد و هم در بُعد معنوی، مجموع شناخت این ساحات است که مسیر تحول و دست یابی به علوم مناسب انسانی را به روی

آلکسیس کارل (Alexis Carrel)، جراح و زیست شناس فرانسوی، کتابی دارد به نام «راه و رسم زندگی»؛ او در بخشی از این کتاب به مسئله فقدان تمدن اشاره دارد؛ کارل، معتقد است تمدن انسانی در دوران مدرن، دچار بحران و سردرگمی شده است؛ وی علت این موضوع را، مسائل مربوط به اخلاق، اعتقاد و فرهنگ می داند و معتقد است عدم توجه مناسب به این شاخصه ها، تمدن انسانی را با چالش روبرو کرده است؛ کارل معتقد است، با توجه به فراخوری و دگرگونی و تحول علم و دانش در عصر معاصر، جامعه انسانی، از شناخت خود آدمی غفلت کرده است و این عدم شناخت انسان، مسیر ترقی و توسعه تمدن و فرهنگ را مسدود کرده است. باید گفت: سرمنشأ این عدم شناخت، در تجربه گرایی و تمرکز محض، بر تجربیات و آزمایشات است؛ وقتی تمام مسائل معطوف به تجربه و آزمایش شوند، نمی توان به مسائل روحی و روانی توجه داشت و این عدم توجه به مسائل روحی، شناخت کامل نسبت به انسان را مختل خواهد کرد.

اگر انسان در مبانی علوم انسانی، تک بُعدی و تک وجهی انگاشته نشود و ساحات مادی و روحی او در کنار یکدیگر لحاظ شوند، آن زمان است که به علمی دست خواهیم یافت که علاوه بر کارآمدی، تأثیرگذاری بیشتری نیز خواهند داشت.

*به نظر شما؛ تبیین و ارائه علوم انسانی اسلامی و پیگیری این طرح، بیشتر بر عهده چه نهادها و مراکزی قرار دارد؟ تکلیف نهادهای اجرایی را در این مسیر مؤثرتر می دانید یا نهادهای فکری و آموزشی و علمی را؟

در این مقوله باید گفت: زمانی که مجموعه محققین و اندیشمندان، در زمینه ای به نتایج و دست آوردهایی رسیدند و این نتایج را به جامعه عرضه کردند، اینجا است که باید مجریان و متولیان امور و دستگاه های اجرایی، در جهت نشر و گسترش و بستر سازی برای اجراسازی آن دست آوردها، گام بردارند و هر چه بیشتر در جهت تحقق دست آوردهای علمی و پژوهشی، تلاش و کوشش کنند.

اگر مجموعه اندیشمندان یک کشور و بنا به شرایط بومی آن جامعه، تحقیق و دست آورد علمی و پژوهشی به دست آوردند، آنجا است که نهادهای اجرایی باید وارد شوند و اجرا کنند؛ تفکر و بینش دینی با پیشرفت و توسعه، مخالف نبوده و نیست، نکته قابل توجه در این مقوله این است که، تکنولوژی و پیشرفتی که انسان را از آدمیت و روح متعالی آن خارج می کند، آیا می تواند برای انسان و جامعه بشری مفید باشد یا خیر؟ تکنولوژی باید در خدمت انسان باشد، نه اینکه انسان را اسیر خود کند؛ نگاه دینی در تمامی موارد با دیدگاه های دیگر متفاوت است؛ نوع دیدگاه دینی به طبیعت و انسان و جهان پیرامون شاخصه هایی را در بر می گیرد که دیگر اندیشه ها، آن چنان به این مسائل توجه نمی کنند؛ به طور مثال در مواجهه با طبیعت، تفکر دینی، طبیعت را مخلوقی از جانب خداوند در جهت تکامل انسان قلمداد می کند و بهره برداری از آن را در جهت تکامل انسانی بلامانع می داند، قرآن کریم می فرماید: «وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»؛ یعنی هر آنچه در آسمانها و زمین است برای شما و تکامل انسان خلق شده است.

امروزه شما می بینید که دنیای امروزی، به علت شرایط محیط زیستی، دچار بحران و خسران شده است و حیات انسانی در معرض خطر است؛ این موارد همگی به این علت است که رابطه انسان با محیط پیرامونش یک رابطه سلطه ای است، انسان می گوید: طبیعت که جان و روح ندارد، بنابراین من می توانم هر طوری که بخواهم از او بهره برداری کنم؛ این دیدگاه، دیدگاه غلطی است؛ تفکر دینی این رابطه را قابل قبول نمی داند و رابطه صحیح بین انسان و طبیعت پیرامونش را می طلبد.

بنابراین راه تحول در علوم انسانی، شناخت تمام ساحات انسانی است و یکی از این ساحات، ابدیت و جاوید بودن آدمی است؛ وقتی انسان ابدی انگاشته شود، می بایست برنامه ریزی ها و نگرش های او نیز ابدی پذیرفته شود و این راه را برای سعادت مادی و معنوی انسان فراهم خواهد کرد. دیدگاه لیبرالیسمی دنیای غرب، به علم اقتصاد، با دید منفعت طلبی و سود انگاری می نگرند، ولی دیدگاه دینی و اسلامی منفعت طلبی و سود انگاری ای را که دراستثمار و چپاول ثروت ملت ها باشد، مردود می داند، این تفاوت دیدگاه دینی و دیدگاه غیر دینی است. باید این نکته را نیز یاد آور شویم که در مسیر شناخت انسان، بهترین راه و مسیر برای درک بهتر، شناخت و درک کسی است که، انسان را آفریده است، اگرانسان را با توجه به خالقش شناختیم، آن زمان است که مناسبات و رویکردهای علمی و پژوهشی ما در مسیرحقیقی و صحیح خود قرار خواهند گرفت.